



منشآت سلیمانی، تألیف دبیران دبیرخانه شاه سلیمان صفوی، به کوشش رسول جعفریان، کتابخانه، موزه و مرکز اسناد مجلس شورای اسلامی، تهران، ۱۳۸۸ش.

مسعود عرفانیان

دبیری، نویسندگی، و منشی‌گری در ایران، سابقه‌ای طولانی دارد و به پیش از اسلام باز می‌گردد. بر اساس پژوهش‌های انجام شده، در دوران ساسانیان با تغییراتی که در تشکیلات پیشین جامعه داده شد، تشکیلات جدید در جامعه پیدا شد که بر اساس آن سومین طبقه جامعه، دبیران (مستخدمان ادارات) بودند (کریستن‌سن: ۱۱۸).

به نوشته کریستن‌سن (ص ۱۵۳)، دبیران در ایران نفوذ بسیاری داشته‌اند و چون ایرانیان به آراستگی صورت ظاهر و امور اهمیت می‌داده‌اند، اسناد رسمی و نامه‌های خصوصی همیشه می‌بایست به شکل مصنوع و سبک ویژه و مقرر نوشته می‌شد. در این نامه‌ها از گفته‌های بزرگان، نصایح اخلاقی، پندهای دینی، اشعار، ضرب‌المثلها و لطیفه‌ها استفاده می‌شد. همچنین جایگاه و رتبه مخاطب و نیز نویسنده در استفاده و به کار بردن کلمات رعایت می‌شد.

رئیس طبقه دبیران، ایران‌دبیربذ (دبیران مهست) نام داشت که گاهی نام او را در کنار نام دیگر نزدیکان پادشاه می‌برده‌اند (همان: ۱۵۵).

پس از اسلام نیز همین تشکیلات دبیران به عنوان یکی از ارکان اساسی تشکیلات حکومتها به حیات خود ادامه داد. «دبیرخانه دول اسلامی نیز مانند صدارت عظمی تقلید کاملی از ساسانیان است» (همان: ۱۵۴).

در دوران سامانیان در کنار دیوانهایی مانند دیوان شرطه، دیوان برید، دیوان قضا، دیوان اشراف و دیگر دیوانها، دیوان رسایل به عنوان یکی از ضروری‌ترین و مهم‌ترین بخشهای تشکیلات اداری این حکومت، به تربیت افرادی به عنوان دبیر و کاتب می‌پرداخت. این دیوان بعدها دیوان انشا نامیده شد (ناجی: ۲۲۰).

این دیوان وظیفه نوشتن فرمانهای حکومتی، مکاتبات اداری و نامه‌های رسمی (سلطانیات) را — که از سوی امیر به خلیفه و دیگر حاکمان نوشته می‌شد — بر عهده داشت و به دلیل اهمیت کار این دیوان گاه از آن با عنوان دیوان اسرار و از متولی آن با نام کاتب‌السر یاد می‌شده است (همو: همانجا).

پس از آن نیز به دلیل اهمیت و کارایی این بخش در تشکیلات اداری حکومتها به آن توجه شده است. نوشتن کتب و رسالات در این باره که در پاره‌ای از آنها با برشمردن نکات عمده و برجسته دبیری و نویسندگی و چگونگی نگارش، در واقع فن دبیری و آئین نگارش، رموز و ریزه کاریهای آن — از نگاه پیشینیان استاد در این فن — آموزش داده شده است، محصول همین توجه است.

کتاب حاضر نیز یکی از همین آثار است و حاصل قلم «دبیران دبیرخانه شاه سلیمان صفوی» که به کوشش رسول جعفریان، پژوهشگر و تاریخ‌نگار نام‌آشنای روزگار ما که با پاره‌ای از دیگر آثار او در تاریخ تشیع و عصر صفویه بیشتر آشنا شده‌ایم، به چاپ رسیده است.

کتاب در پانزده باب تدوین شده و هر باب از آن به موضوعی پیرامون آداب و رسوم نوشتن اختصاص یافته است. از ویژگیهای چشمگیر منشآت سلیمانی، جنبه آموزشی آن است که مصحح اثر بر این ویژگی چنین تأکید نموده است: «البته بسیاری از منشآت دیگر هم آموزشی است، اما این منشآت، دقیقاً آموزشی‌تر نگاشته شده است» (صص ۱۳-۱۴). به عبارت امروزی، این اثر یک کتابی تخصصی است در باب نوشتن نامه و یا هر نوع نوشته دیگری که قرار است به مناسبتی از سوی کسی یا کسانی به افراد گوناگون در رده‌های مختلف اجتماعی از بلندپایه به دون پایه و یا بر عکس نوشته شود. در اینجا به چند فصل از کتاب به شکل گذرا اشاره می‌کنیم:

باب اول «در دستور معمول دستگاه معلی در باب احکام و مناشیر به هر یک از طبقات انام و القاب هر



یک که به چه قاعده معمول است». در این باب نحوه نگارش نامه، چگونگی استفاده از القاب بر اساس رتبه مخاطب و جایگاه اجتماعی او نکاتی گوشزد شده است. جالب این است که حتی والیان و بیگلربیگیهای هر بخش و منطقه از ایران آن روزی، آداب ویژه و القاب خاص خود را — به حتم به واسطه بزرگی مقام و یا وسعت سرزمین زیرفرمانشان — داشته‌اند. به عنوان نمونه «سپهسالار و قوللرآقاسی و تفنگچی آقاسی اگر رتبه خانی داشته باشند» به یک شکل که در کتاب اشاره شده مورد خطاب واقع می‌شوند و «بیگلربیگیان ممالک، بیگلربیگی خراسان و فارس و بغداد و قندهار و شروان به یک طرز نوشته می‌شود» (ص ۲۲). و نیز چنین بوده درباره بیگلربیگی تبریز و چخورسعد و قراباغ و استرآباد و مشهد مقدس و روشاهجان و ... (صص ۲۲ - ۲۳). سپس به ترتیب رتبه، جایگاه و موقعیت اجتماعی، سیاسی، دینی، هنری و غیره درباره کسانی چون امرا و سلطانان خرد و کلان، سادات، فضلا، علمای دانشمند، فقهای اسلام، قاریان کلام الله، اهل اصلاح، اطبا، خطبا، منجمین، شعرا و ارباب نظم، استاد خوشنویس، استاد نقاش، وزراء و ... دستورالعملهایی داده شده است.

باب ششم «در مکاتیب اوساط الناس به یکدیگر» است و در آن نیز درباره چگونگی نوشتن نامه از سوی پدر به فرزندی که رتبه دنیوی داشته و یا نداشته باشد و بر عکس؛ کتابت جد به نواده، خواه پسر باشد و خواه دختر و برعکس؛ کتابت والده به فرزندی که رتبه دنیوی داشته و یا نداشته باشد و بر عکس؛ کتابت عم به برادرزاده و برعکس؛ کتابت عمه به برادرزاده و برعکس؛ مکتوب برادر کوچک به همشیره بزرگ؛ مکتوب برادر بزرگ به همشیره کوچک و مکتوبات دیگری از اقوام و نزدیکان نسبی و سببی به یکدیگر که با حفظ مقام و جایگاه هر یک که واژگان و عبارات خاص و القابی را بر اساس رتبه و موقعیت و درجه نسبت می‌طلبید، نکاتی گوشزد و نمونه‌هایی ارائه شده است.

باب هفتم «در مکاتیب سایرالناس که عارف به آداب نوشتجات نیستند و القاب دستور باب ششم نیز که مناسب ایشان که فقرا نیست و در میان یکدیگر به نحوی معمول داشته‌اند».

در این باب نیز، همانگونه که از عنوان آن پیداست، فقرا به حتم به خاطر نبود امکانات در همه عرصه‌ها و به ویژه

در جهت آموزش و یادگیری خواندن و نوشتن و کسب آگاهیهای لازم، آداب ویژه‌ای برای خود در نوشتن نامه و مکاتبات نداشته‌اند، ولی نویسندگان منشآت نمونه‌هایی را برای آنان ذکر کرده‌اند.

باب هشتم «در اشعار مناسب مطالب که به ایشان اکتفا می‌شود و احتیاج به مکاتبه نیست و جهت اقتباس در مطالب و مکاتب نیز به کار می‌آید». در این باب تعدادی اشعار مناسب در موضوعاتی چون در مناجات باریتعالی، در نعت نبی (ص)، در منقبت وصی (ع)، در تهنیت نوروز، در تهنیت عید رمضان، در تهنیت عید قربان و ... در نامه‌نگاریهایی که برای افرادی چون سلاطین، علما، واعظان، مشایخ، درویشان، صدور، قضات، وزراء، امرا و حکام، طبیبان، منجمان، منشیان و موضوعات دیگری چون در طلب التفات، در طلب ملاقات، در امیدواری، در افسودگی، در بی‌وفایی، در شکایت از فراموشی، در شکایت از عشق، در اظهار دوام عشق و ... آورده شده است.

در دیگر بابهای کتاب نیز مطالبی کمابیش در زمینه مورد نظر نوشته شده است. اما در باب سیزدهم که «در صناعات که سخن را به رعایت آن بلاغت و فصاحت و ملاحظت افزایش (مشمتمل بر مقدمه و دو باب و خاتمه)» نام گرفته، به تعریف پاره‌ای از صناعات ادبی که در نظم و نثر به کار می‌رفته اشاره شده، معانی هر یک نوشته و برای هر کدام نیز نمونه یا نمونه‌هایی ارائه شده است. صناعاتی مانند حسن مطلع، حسن مقطع در قصیده، لزوم مالایلم، مراعات‌النظیر، ارسال المثل، سؤال و جواب، موشع، مسمط، ترصیع، لف و نشر، سجع و انواع آن و دیگر مباحثی از این دست.

باب چهاردهم هم «در نوشتجات شرعی که از ترسل خاصه شریفه نقل شده» نام دارد. در این باب نمونه‌هایی از تنظیم نوشته‌های شرعی بر اساس قوانین و مقررات دین اسلام ارائه شده، نمونه‌هایی از صورت‌مجلس، عهدنامه، تمسک، قبالة ملک، مفاوضه‌نامه، قبلاچه نکاح‌نامه، آزادنامه، طلاق‌نامه و ... ارائه شده است.

و اما باب آخر کتاب، باب پانزدهم که «در باب املاء و قواعد سخنوری و خط» نوشته شده، به تنهایی نزدیک به نیمی از کتاب را شامل می‌شود. این باب از چهار مقاله که هر یک دست‌کم از دو باب تا نه باب دارد تشکیل شده است. مطالب این باب در نوع خود جالب توجه است و گویای این نکته که در چهار سده پیش نیز موضوع

ورزنامه، فسطیوس بن اسکوراسیکه، به تصحیح حسن عاطفی، تهران، مرکز نشر دانشگاهی، ۱۳۸۸ش.

ایرج افشار



سالهای دراز بود که متن فارسی کهنسال ورزنامه از قسطوس بن اسکوراسیکه (سزگین ۴: ۳۱۷) که یگانه نسخه شناخته آن در دست دوست دانشمند حسن عاطفی (کاشان) بود و خود معرفی خوبی از آن در راهنمای کتاب نوشته بود، در مرکز نشر دانشگاهی خاک می خورد و نظامی بدان داده نمی شد. به تازگی و ناگهانی آن متن بسیار ارزشمند نشر شده است و بدین سر و صورت فقیرانه ای که نشر یافت عاطفی را رنجاند.

حدود هشت سال پیش نمونه حروف چینی را پیش من فرستادند، چون عاطفی انتظار داشت من یادداستی درباره مؤلف و ترجمه عربی او بنویسم. همان وقت متذکر شدم که این طرز حروف چینی ریز «تو هم تو هم» برای چنین متنی شایسته نیست، باید حروف درشت تر باشد و مخصوصاً مطالب هر باب بند به بند شود که خواننده زودتر به مضامین مندرج در متن دستیابی پیدا کند. پس آن را باز پس فرستادم. اکنون دیده می شود که همان صورت حروف چینی ناگوار مقدماتی را چاپ کرده اند. تغییرات پی در پی اداری آن مرکز و نزول مراتب ضروری ویراستاری و دقت نظر در آنجا موجب شد که کتاب به

رسم الخط زبان فارسی و چگونگی نوشتن واژگان فارسی، عربی و ترکی رایج در آن عصر دغدغه منشیان و دبیران بوده است. مهم تر اینکه در این بخش همچنین مطالبی درباره خوشنویسی و خوشنویسان نوشته شده که می توان آن را رساله ای جدا در خوشنویسی دانست. با در نظر گرفتن اینکه تاکنون — دست کم تا جایی که می دانم — در جایی از نوشته های پژوهشگران حوزه خوشنویسی، اشاره ای به این بخش از منشآت سلیمانی نشده، این بخش چنانکه دارای نکات تازه ای باشد، می تواند خوشنویسان و پژوهشگران این حوزه را سودمند افتد.

در پایان کتاب صفحات تصویر از آغازین و پایانی نسخه به چاپ رسیده است.

مصحح اثر با افزودن فهرستهای جداگانه ای از آیات، نامها و القاب، جایها، مشاغل و طوایف، اصطلاحات دیوانی، اصطلاحات ادبی، خوشنویسی و زبانشناسی، کار خواننده را در دستیابی به هر یک از موارد اشاره شده در بالا آسان نموده است.

اما بهتر می بود که مصحح ارجمند در معرفی نسخه، آگاهیهای بیشتری را که در این گونه پژوهشها مرسوم است، در مقدمه اثر در اختیار خواننده می گذاشت. خواننده در معرفی اثر فقط همین عبارت را می خواند: «نسخه خطی منشآت سلیمانی به شماره ۸۸۹۵ در کتابخانه مجلس شورای اسلامی محفوظ است» (ص ۱۶).

شاید دانستن اندازه و قطع نسخه، طول و عرض سطور آن، تعداد سطور، مذهب بودن یا نبودن، نوع کاغذ و رنگ آن، نوع جلد و ... برای مخاطبان چندان ضروری نباشد، اما آیا دادن توضیحاتی درباره تاریخ کتابت اثر — که البته در پایان نسخه به آن اشاره شده — وجود نسخه های دیگری از اثر در کتابخانه های داخل و خارج از ایران و یا مجموعه های دیگر و اینکه تلاش برای دست یافتن به نسخه های دیگر برای مقابله از سوی مصحح انجام گرفته یا خیر و اینکه آیا این اثر تک نسخه بوده، در مقدمه ضرورتی نداشت؟

منابع:

۱. کریستن سن، آرتور، ایران در زمان ساسانیان، ترجمه رشید یاسمی، چاپ پنجم، تهران، امیرکبیر، ۱۳۶۷ش.
۲. ناجی، محمدرضا، فرهنگ و تمدن اسلامی در قلمرو سلمانیان، تهران، امیرکبیر، ۱۳۸۶ش.



همان قواره و ریختی که حروف چینی بدوی شده بود دور از صفحه‌آرایی مناسب انتشار یابد و طبعاً عاطفی را دل چرکین سازد.

عجبت‌تر آنکه در این روزگار کدام متن چاپ می‌شود که عاری از هرگونه فهرست کلیدی باشد و تعجب عمده شخص عاطفی همین است. اعلام را در این متن جوینده کم‌وقت چطور باید پیدا کند. کلمات کاربردی کشاورزی را درین کتاب که فلاحت است چه‌گونه می‌باید یافت. همچنین است اصطلاحات نجومی و تقویمی و حیوانات و ابرازها و ...

در مورد بندبند کردن بابها به‌طور مثال وضع باب هشتم (ص ۲۵) را طرح می‌کنم که در بیست‌وهشت سطر متوالی و (بی‌هم) و به اصطلاح حروف چینیها (بی‌بادخور) آمده است. این باب مربوط به رعد و بارندگی است در هر یک از بروج است از حمل تا حوت. چون هر دوازده ماه با «و اگر» جمله آغاز می‌شود، طبعاً ضرورت داشت که دوازده مورد از اول سطر (جداگانه) به چاپ می‌رسید.

همین بندبند کردن در مورد فهرست جزوها (ص ۱-۱۴) نیز می‌بایست مرعی شده بود نه اینکه عنوان بابها (هشتاد و پنج باب) به دنبال هم بیاید و شمایل صفحه‌آرایی همانند نسخه‌های چاپ سنگی عهد فتحعلی شاه باشد (صفحه نهم نمونه‌ای است گویا برای ملاحظه در صفحه).

مقدمه گویا و خوش‌طرح جناب عاطفی حکایتی است از رنجی که ایشان در تحقیق مطالب صرف کرده و فضائل کتاب را گشوده است. گفتنیها را گفته و در مورد تصحیح متن با دقت و نکته‌بینی موارد ضروری را در حاشیه آورده و طبعاً انتظار داشته است که مرکز نشر دانشگاهی توانایی اجرایی تنظیم و ایجاد طرح شکیل و متناسب با چنین متنی را داشته باشد.

هر کس صفحه ۷۲ و ۷۳ را ببیند که مطالب یک‌سره پشت‌سرهم پیش خواننده گذاشته شده است متوجه خواهد شد که دستگاه تولید و ویرایش مرکز نخواستہ است هیچ‌گونه رنجی به خود بدهد و ذوقی مناسب اهمیت متن به کار برد.

از مؤلف و مصحح، هیچ خواننده‌ای انتظار تنظیم صفحه‌آرایی ندارد. مؤسسه‌های نشر اکنون وظایفی دارند درین باب که کتاب را به چه طرحی تنظیم و ارائه کنند.

مثلاً وقتی یک جزو به چند باب تقسیم می‌شود و آن جزو در اول صفحه قرار می‌گیرد طبعاً ضرورت دارد که بابها و عنوان فرعی، مجزا و چشم‌گیر، با کمی فاصله، عرضه شود. بنگرید به صفحه ۸۸ و ۸۹ که عنوان باب هفتم و هشتم و نهم و دهم چه وضع مفلوکی دارند.

بندہ درد دل خاموش و حیرت و غم‌زدگی دوستم عاطفی را می‌نویسم و لاغیر. او به من چیزی نگفته و گله‌ای نکرده است، ولی چون مسلم می‌دانم چرکین دل شده است مسئله را گشوده و طرح کردم. جز آن شکوه متن را هم بازگویی می‌کنم که اگر زبان داشت حتماً می‌نالید.

در متن می‌گشتم که نام مؤلف را بیابم، زیرا اگرچه فسطیوس (به جای قسطوس یا قسیطوس) که در ورقی از نسخه بوده در روی این جلد آمده از نظر واقعی درست نیست و مسلم است نام او در لاتین Cassianis Bassus Scholasticus است و چون c نمی‌تواند بدل به «ف» (f) ناگزیر بشود روی جلد می‌بایست صورت صحیح نوشته شده بود. همان‌طور که آقای عاطفی در مقدمه متذکر چگونگی نام شده و قسطوس را در کلام خود می‌آورد (ص نه) و در متن هم اگر فسطوس بوده به قسطوس برگردانیده و در حاشیه یادآور عیب شده است (ص ۲۴، ۵۷، ۷۹، ۸۴، ۹۵). امیدوارم دوست عزیز جناب آقای عاطفی بینندگان کتاب ورزنامه را از ماجرا آگاه فرمایند. اما مرکز نشر باید برای این متن مهم که از نظر زبان فارسی و گنجینه‌ی واژگانی کشاورزی نهایت احترام و اهمیت را دارد اقدامی عاجل برای جبران خسارت از متن بکند:

۱. حروف چینی جدید بشود با رعایت بندبند کردن موارد از قبیل این که جواب پس از طرح مطلب سر سطر گذاشته شود.
۲. تهیه فهرست اعلام و لغات بسیار گسترده با شقوق و جهات لازم آن.
۳. چاپ نسخه‌برگردان سراسر نسخه خطی متن به همراه آن.
۴. شاید چاپ چند صفحه از متن عربی برای آنکه در دست پژوهشگران باشد.

۱. نیز دیده شود: ص ۸۷-۹۳، فهرس المخطوطات الفلاحة - النبات - المیاه و الری، صنعة محمد عیسی صالحیه (و) عبدالله فلیح، کویت، ۱۹۸۸م.

**منه‌اج‌الطلب، محمدبن حکیم زینمی شندونی
چینی، تصحیح سیدابوطالب میرعابدینی،
تهران، انجمن آثار و مفاخر فرهنگی، ۱۳۸۸ش.**

محمد رضا علی بخشی

منه‌اج‌الطلب، کهن‌ترین دستور زبان فارسی، تألیف محمدبن حکیم زینمی شندونی چینی (موشیان یوان) در ۱۰۷۰ق / ۱۶۶۰م برای آموزش زبان فارسی به مسلمانان چینی در شمال غربی چین نگاشته شده است. آنچه مسلم است اینکه ورود دین اسلام به چین نخستین بار به وسیله ایرانیان انجام گرفت؛ استانه‌های مسلمان‌نشین گانسو و سین‌کیانگ در غرب چین از آن نشان دارد. به تبع آن، زبان پارسی در غرب چین به عنوان زبان نیایش مسلمانان چین، به ویژه در سین‌کیانگ، رواج یافت و کتابهای فقه، تصوف و تفسیر بیشتر به زبان فارسی بود. شناخت ایران و تمدن درخشان آن نیز در گرایش آنان به آموختن زبان فارسی نقش مؤثری داشت. بدین ترتیب، در بسیاری از مساجد چین آموزش زبان فارسی رونق یافت و کتابهای درسی به فارسی تألیف شد که منه‌اج‌الطلب در زمره مهم‌ترین آنهاست. از برخی عبارات مؤلف آن، که خود مؤسس مرکز تعلیمات اسلامی شاندونج است، می‌توان دریافت که به سبب رواج زبان فارسی، دین اسلام به وسیله این زبان گسترش یافته است.

این کتاب از دو نظر دارای اهمیت است: از این نظر که تا روزگار ما می‌توان آن را کهن‌ترین دستور زبان فارسی به این زبان دانست و تألیف آن به قلم یک فرد چینی از پیشرفت زبان فارسی در قرن هفدهم میلادی در چین حکایت می‌کند. دیگر آنکه بررسی اجمالی کتاب نشان می‌دهد مؤلف سعی داشته است دستور زبان فارسی را با نظری ساخت‌گرایانه بررسی کند. کتاب تازگیه‌هایی هم دارد. برای نمونه تقسیم فعل امر به حاضر و غایب و آوردن واژه «گرفتار» ذیل صفت مفعولی از موارد قابل توجه آن است.

منه‌اج‌الطلب ابتدا در سال ۱۳۶۰، در اصفهان، به کوشش دکتر محمدجواد شریعت منتشر شد. دکتر شریعت در مقدمه آورده است که سه نسخه از کتاب درسی منه‌اج‌الطلب را در کتابخانه نسخ خطی مسجد «دوگ‌شی» شهر پکن یافته و بر اساس نسخه متقن‌تر و کامل‌تر تصحیح ارائه کرده است. دکتر ابوطالب

میرعابدینی با اطلاع از تصحیح قبلی و چاپ آن، به استناد و استدلال بر اینکه نسخه‌ای که به دست آورده‌اند، به ادله‌ای که در پیشگفتار خود ذکر کرده‌اند، نسخه اصلی کتاب است و گویا در زمان حیات مؤلف کتابت شده است، بار دیگر به تصحیح آن برخاسته‌اند. نسخه مورد استفاده ایشان به مهر مؤلف نشاندار است و نسخه‌های دیگر فاقد این نشانه است. مصحح کتاب هر جا لازم بوده است مورد اختلاف با نسخه مورد استفاده دکتر شریعت را ذکر کرده است. او در ابتدای کتاب سخنی کوتاه درباره فرهنگ ایران و اسلام در چین و در انتهای کتاب توضیحات وافیه درباره متن منه‌اج‌الطلب آورده است که با توجه به لهجه چینی غالب بر بخشهایی از اثر مفید است. پیشگفتار دکتر توفیق هـ. سبحانی نیز که در آن به اختصار تاریخ دست‌نویسی در جهان و ایران تا زمان تألیف منه‌اج‌الطلب را ذکر کرده است، فتح باب مناسبی برای کتاب است.

متن منه‌اج‌الطلب از دو بخش صرف و نحو تشکیل شده است: در مقدمه کلمات فارسی را مانند عربی به سه قسم اسم، فعل و حرف تقسیم کرده است؛ سپس، در بخش اول، در شش فصل، به مباحث صرفی مصدر، ماضی، مستقبل، امر و نهی، اسم فاعل و مفعول و صفات می‌پردازد. در بخش دوم، که در حقیقت اصل کتاب منه‌اج‌الطلب است، در باب الاسماء فصولی با این عناوین می‌آید: فی بیان مبتدا و خبر، در بیان فاعل، در بیان متعلقات فعل، فی مضاف و مضاف‌الیه، توابع، در بیان اسم جنس و اسم صفت، فی بیان معرفه و نکره، فی بیان جمع، فی بیان انواع اسم؛ در باب الافعال اقسام فعل شرح داده می‌شود و در باب الحروف اقسام حروف بیان می‌شود و کتاب با الحاقاتی پایان می‌یابد. از مقدمه مؤلف چنین برمی‌آید که وی نخست بخش صرف پارسی را می‌نویسد و چون خوانندگان از آن سودی نبرده و حاسدان زبان طعن دراز کرده بودند، به تألیف نحو پارسی می‌پردازد.

سبک نثر منه‌اج‌الطلب، به سبک فنی می‌ماند. مقدمه کتاب نثری فنی و مصنوع دارد، ولی در بیان مطالب نثر ساده‌تری به کار رفته است. مطالعه این کتاب برای محققان دستور زبان فارسی به عنوان یکی از قدیمی‌ترین کتابهای درسی دستور زبان فارسی برای آموزش به غیر فارسی‌زبانان در قرن هفدهم میلادی مفید است. ■



ترانسندنت فیلسوفی^۱ (فلسفه متعالی)،
دسامبر ۲۰۰۹، شماره ۱۰، نشریه بین‌المللی
فلسفه و عرفان تطبیقی - نشر آکادمی مطالعات
ایرانی لندن.

منوچهر پزشک

نشریه‌ای فلسفی به زبان انگلیسی که دهمین شماره آن منتشر شده و نام و موضوع آن به روشنی سبک و شیوه آن را نشان می‌دهد و گواه است بر اینکه برای بهره‌بردن از این نشریه حتماً بایستی بر زبان انگلیسی مسلط بود. البته بر اهل نظر پوشیده نیست که مطالعات تطبیقی درازدامنه‌تر از تنها مقایسه دو فیلسوف یا عارف و یا دو نظرگاه است، و در واقع هدف اصلی آن نه مقایسه دو موضوع بلکه نگریستن به موضوعی از دیدگاهی غیر از دیدگاه اصلی و اولی آن است. این گوناگونی موضوعی، در فهرستی که اندکی سپس‌تر از موضوعهای فراخوان شده و نیز مقالات مندرج در همین شماره به دست خواهیم داد، به خوبی به چشم می‌آید. هدف نشریه فلسفه متعالی، چنانکه مسئولان و ناشران آن در صفحه داخل جلد بیان داشته‌اند، فراهم ساختن فضای گفت‌وگویی سه‌جانبه بین فلسفه و عرفان شرق و غرب و عالم اسلامی است. اظهار صریح مسئولان نشریه درباره اینکه دیدگاههای مطرح شده در مقالات مندرج در مجله لزوماً دیدگاه مرجح نشریه و آکادمی مطالعات ایرانی لندن (پشتیبان مالی و علمی و نیروی انسانی نشریه) نیست، ظاهراً نشانه‌ای از آزاد بودن هرگونه اظهارنظر از سوی نویسندگان و اندیشمندان، و نیز گشوده بودن ذهن مسئولان آکادمی و نشریه بر روی هر اندیشه تازه است. هر چند دیدن نامهایی همچون دکتر نصر، دکتر چیتیک، دکتر اعوانی، دکتر صفوی و... در فهرست هیئت ناظران نیز نشان آن است که مقالات مندرج در نشریه قاعدتاً می‌بایست از قوت و اصالت علمی کافی برخوردار باشند. باید گفت که جای چنین نشریه‌ای به زبان فارسی در ایران خالی است و یکبار دیگر ثابت می‌شود که تهیه، چاپ و انتشار مجله‌هایی با این مشخصات، حتماً نیازمند پشتیبانی دستگاه یا مؤسسه‌ای نیرومند است و از عهده فردی تنها یا چند نفر علاقه‌مند صرف، خارج. مجله از مقاله در موضوعهای زیر استقبال می‌کند (و تکرار می‌کنیم که حتماً باید به زبان انگلیسی نوشته شود):
مطالعات تطبیقی درباره مکتبهای فلسفی شرق و

غرب و اسلامی؛ تک‌نگاریهایی در تاریخ فلسفه، فلسفه معاصر، معرفت‌شناسی (Epistemology)، فلسفه ذهن و علوم شناختی (Cognitive Science)، فلسفه علم (فیزیک، ریاضیات، زیست‌شناسی، روانشناسی و غیره)، منطق و منطق در رابطه با فلسفه، فلسفه زبان، اخلاق نظری و عملی، کلام (الهیات: Theology) و فلسفه دین، تصوف و عرفان، معادشناسی، فلسفه سیاست، فلسفه هنر و متافیزیک.

اما چگونه می‌توان به این نشریه دسترسی پیدا کرد؟ اشتراک سالانه برای مؤسسه‌ها شصت پوند، برای افراد سی پوند است، افزون بر شش پوند برای نشانیهای خارج از انگلستان. نویسندگان باید مقالات خود را به نام سردبیر: Dr. S. G. Safavi بفرستند. مقاله‌های معرفی و نقد کتاب، همچنین کتاب برای معرفی در نشریه باید خطاب به دبیر بررسی کتاب: Book Review Editor فرستاده شوند. نشانی پستی:

Dr. S. G. Safavi

Journal of Transcendent Philosophy

121 Royal Langford

2 Greville Road

London NW6 5HT

UK

Tel (+44): 020 76922491

Fax (+44): 020 72094727

E-mail: Philosophy@iranainstudies.org

و اما فهرست مقالات مندرج در شماره دهم فلسفه

متعالی، چشم‌اندازی از سبک و شیوه نشریه را در معرض دید ما قرار می‌دهد؛ ما در این جا تنها عنوان مقالات را می‌آوریم.

- عقیده

- تقسیم جدید از نظامهای فلسفی

- ساختار و نگاه تفسیری - تاویلی بر مثنوی (مولانای رومی: دفتر دوم، گفتار نهم).^۲

1. (Transcendent Philosophy)

2. "The Structure and Hermenutics of Rumi's Mathnavi: Discourse Nine. Book two".

از این پس در برابر هرمنوتیک، ترکیب «تفسیری - تاویلی» را می‌آوریم.

- مطالعه تطبیقی شناخت نفس در اندیشه سورن کی‌یرکه‌گور و بابا افضل کاشانی.
 - انسان کامل از منظر (مولانای) رومی.
 - جهت‌های اصلی جدال بین کلام (تئولوژی) و فلسفه در اسلام: بررسی تحلیلی.
 - تعیین جدید دیدگاه (های) صدرایی.
 - استدلال منطقی و تجربه شهودی «وجود»: تکامل رویکرد استعلایی ملاصدرا به واقعیت.
 - نگاه برون‌گرایانه تفسیری - تأویلی فراهی بر شرع و قرآن و جهات مشترک آن با هرمنوتیک کلاسیک غربی.^۱
 - الکندی: فیلسوف ارسطویی یا اندیشمند الهی نوافلاطونی؟
 - ساختار و نگاه تفسیری - تأویلی سراج‌السالکین ملامحسن فیض کاشانی.
 - نیچه و مسئله نیهلیسم: تأملاتی از منظر اندیشه شرقی.
 این شماره همچنین دو مقاله در معرفی و نقد و بررسی کتاب دارد.

نگاهی به دو فهرست آمده در بالا، فهرست فراخوان موضوعی مقاله، و فهرست مقاله‌های مندرج در این شماره، به خوبی جنبه تخصصی فلسفه متعالی را آشکار می‌سازد که نشریه‌ای است که تنها برای اهل فن (فلسفه و مطالعات تطبیقی در فلسفه و کلام و عرفان) قابل استفاده است. با گوناگونی موضوعی مقالات این شماره، پیداست که هر خواننده‌ای متناسب با سلیقه خود به گزینش مقالات دست خواهد زد. در اینجا، ما با نگاهی اجمالی و تورقی ساده و بدون هیچ وجه ترجیحی، سه مقاله را به عنوان نمونه‌ای از موضوع آنها بر می‌گزینیم و با آوردن سطری چند مختصر پیرامون هر مقاله به معرفی آنها می‌پردازیم:

۱. منور حق (Munawar Haque)، «جهت‌های اصلی جدال بین کلام (تئولوژی) و فلسفه در اسلام: بررسی تحلیلی»، صص: ۱۳۵-۱۷۰.

در چکیده مقاله، هدف از نوشتن آن چنین بیان شده است: هدف از این مقاله تحلیل تفاوت دقیق میان کلام و فلسفه در عالم اسلامی است و بررسی تأثیری که مناسبات متقابل این دو سنت عقلانی بر تفکر اسلامی

داشته‌اند. جهات عمده تفاوت بین کلام و فلسفه در آثار غزالی و این رشد مورد بررسی قرار می‌گیرند. سخن بر سر این است که تفاوت مهم بین این دو فیلسوف، فقیه و متکلم بزرگ، تنها در رویکردهای آنان خلاصه می‌شود. حقیقت پدیده دینی در نزد غزالی، ورای فلسفه و کلام عقلی است. از دیدگاه ابن‌رشد فیلسوف برتری دارد، چرا که موضوع عقل را برتر می‌نهد.

نویسنده مقاله، سپس «مقدمه» را با این جمله آغاز می‌کند: «دانشهای دینی اسلامی را می‌توان به دو دسته تقسیم کرد: دانشهای نقلی و دانشهای عقلی...» در برابر «العلوم النقلیه»، آمده است: The Transmitted Sciences، که ممکن است برای خواننده انگلیسی‌زبان یا خواننده‌ای که به زبان انگلیسی می‌خواند، موجب این توهم شود که مقصود دانشهای انتقالی است؛ یعنی منتقل شده از زبانی به زبان دیگر یا از جایی به جای دیگر. و حال آنکه می‌دانیم که حتی اگر هم مفهوم «انتقال» به نحوی درباره این دسته از دانشها درست باشد (مثلاً با این تفسیر که از نسلی به نسلی منتقل می‌شوند)، باز مقصود از این نامگذاری، نوعی طبقه‌بندی در برابر عقلی است و اندکی هم متأثر از تمایل پیشینیان به قافیه‌سازی است، چنانکه در شکل دیگر این نامگذاری، یعنی منقول و معقول هم دیده می‌شود؛ یعنی دانشهایی که اصل در آنها عقل نیست: اندیشیدنی نیستند، بلکه در اصل و در آغاز کار، یاد گرفته‌اند و شنیدنی و این است معنی نقلی.

۲. مهوش علوی، «ساختار و نگاه تفسیری - تأویلی بر مثنوی رومی: دفتر دوم، گفتار نهم»، صص ۷۱ - ۹۴.
 نویسنده مقاله در بخشی از چکیده چنین می‌گوید:
 در این مقاله برای نخستین بار در تاریخ مطالعات مثنوی رومی، «ساختار»، (شکل) «تفسیری - تأویلی» و «دیدگاه تلخیصی» گفتار نهم از دفتر دوم مثنوی رومی ارائه می‌شود.

نویسنده، مطالعه خود را بر پایه «کشف ساختار مثنوی،

1. "Farāhī's Objectivist-Canonical Qur'anic Hermeneutics and its thematic Relevance with Classical Western Hermeneutics".

ترجمه دقیق عنوان مقاله پس از مطالعه کامل مقاله میسر است که متأسفانه فرصت آن در هنگام نوشتن این معرفی دست نداد.



انگلیسی ترجمه شده باشد. ظاهراً قصد نویسندگان از in the of eyes، «از نظر»، «در نظر»، «از منظر»، «نزد» و یا «از دیدگاه» ... بوده است که معمولاً انگلیسی‌زبان آن را به صورت view و یا point of view و یا view of point و یا approach می‌آورد. لازم است اشاره کنیم که توضیح این نکته نه از سر خرده‌گیری به نویسندگان بلکه جهت آگاهی دادن به خواننده است. مسلماً نگارش مطلب فلسفی به زبانی بیگانه کاری بسیار دشوار است و گاه نوشتن چند صفحه مطلب از روزها درمی‌گذرد و به هفته و ماه می‌کشد. نویسندگان در بیان مطلب غرق می‌شوند که توجهی به زیباسازی نوشته خود نمی‌کند. ضمن اینکه اصولاً سبک نگارش، موضوعی سلیقه‌ای است و هر قدر هم یک متن پیراسته و ویراسته گردد (به خاطر خاصیت زبان) هرگز به شکل نهایی نمی‌رسد. اما نکته‌ای بسیار ظریف در اینجا نهفته است که باید در مد نظر داشت. نویسندگان آن که به زبانی بیگانه مطلب می‌نویسند (آن هم به ویژه مطلب فلسفی یا ادبی) بهتر است از آوردن اشکال بدیع و نو در آن زبان خودداری ورزد، هر چند در زبان خودش حتی پایه‌ی ادبی داشته باشد. حتی اگر در هنگام نوشتن، از اسلوب نگارش اهل آن زبان تقلید هم کند، بهتر از بدعت و نواندیشی است، چرا که در درجه‌ی اول ممکن است آن بدعت در نظر اهل زبان بی‌معنی بنماید و دیگر آنکه اصولاً اهل یک زبان سخت از بیگانگان نوآوری در زبان خود را می‌پذیرند. در زبان انگلیسی، vision برای دیدگاه ظاهری، و view برای دیدگاه درونی و باطنی به کار می‌روند. مسلماً «چشم» در جای «نظر» نمی‌نشیند. مقاله، پس از یادآوری اینکه این دو فیلسوف بی‌تردید به دو حوزه و مقوله فلسفی مختلف تعلق دارند، چند دلیل برای گزینش این دو فیلسوف جهت مطالعه تطبیقی برمی‌شمارد: - خودآگاهی در دیدگاه هر دو فیلسوف نقشی محوری و اساسی دارد. - هر دو اندیشمند از فیلسوفان متأله به شمار می‌روند. - هر دو، ظاهراً، به خودآگاهی رسیده‌اند. - هر دو تن علاوه بر فلسفه، ادیب و شاعر نیز هستند. - تا امروز هیچ مطالعه تحقیقی تطبیقی بین دو فیلسوف به عمل نیامده است. ■

پس از گذشت هفتصد سال از سرودن آن...» به وسیله دکتر سید قهرمان صفوی، استوار ساخته و آن را بدون تردید مهم‌ترین کشف در رابطه با مثنوی تا امروز، می‌داند. دریغ که تنگی فرصت این مقال اجازه نمی‌دهد بیش از این به آن پرداخت و دعوی نویسنده را به آزمون نقد و بررسی گذاشت. چرا که این سخنی بسیار جالب و جاذب است و خواننده را به شدت به سوی خود می‌کشد و البته که باید در فرصت مناسب و با صرف حوصله و وقت کافی خوانده شود. جهت آشنایی با سبک و روش نگارش نویسنده، چند سطر از میانه مقاله (ص ۸۶) آورده می‌شود:

تحلیل فصل نهم: فصل نهم از هفت بخش تشکیل یافته و از شیوه‌ی روایی - آموزشی برخوردار است. گفتگوهای عرضه شده یا چهارطرفه‌اند، مانند مباحثه میان چهار هندو، و یا دوطرفه‌اند، مانند مباحثه بین پیرمرد و طبیب. موضوع اصلی و اولی این گفتار، رابطه میان انسان کامل و الله است به عنوان وحدت بین مظهر و ظهور.

قصه‌ها از حیث زمان و مکان، در فضایی پس از اسلام روی می‌دهند؛ زمان و مکان دقیق و واقعی ناشناخته است. در این گفتار، منطق روایی و بصری، بر جنبه‌ی زمان و مکان غلبه دارند. شیوه‌ی غالب (مولانای) رومی در این گفتار در قالب داستانهای تمثیلی و به شکل سیر آفاقی (به انگلیسی: سفر بیرونی) و سیر انفسی (به انگلیسی: سفر روحانی) عرضه می‌گردد؛ هر دو شیوه مهم از قرآن مجید است...

۳. مریم نوربالا و احد فرامرز قراملکی، «مطالعه تطبیقی شناخت نفس در اندیشه سورن کی‌پرکه‌گور و بابا افضل کاشانی» صص: ۹۵-۱۱۸.

مقاله چنانکه از نامش پیداست، مقایسه‌ی یک دیدگاه در نظر دو فیلسوف دانمارکی و ایرانی است. در مقدمه آمده است: یکی از گونه‌های مهم و عملی آگاهی در نزد (در چشم) بیشتر روحانیان، فیلسوفان و عارفان، خودآگاهی است... اصل این عبارت در مقاله چنین است:

One of the most important and practical types of awareness, in the eyes of...

این طور به نظر می‌رسد که دستکم عبارت آغازین مقاله به انگلیسی نوشته نشده باشد بلکه از فارسی به

برلینیات - ۲

احمد رضا رحیمی ریس

۷. پژوهشی نو درباره قطب‌الدین شیرازی و میراث او

قطب‌الدین شیرازی (د: ۷۱۰ق/ ۱۳۱۱م) بی‌تردید از بزرگ‌ترین عالمان چنددانشی نیمه دوم سده هفتم و آغاز سده هشتم هجری است. تاکنون شماری از آثار او به چاپ رسیده و نیز چندین مقاله و کتاب درباره جنبه‌های مختلف زندگی و نوشته‌هایش منتشر شده است، اما هنوز جای پژوهشی گسترده که به همه جنبه‌های مختلف حیات و آثار او بپردازد خالی است.

چند سالی است که خانم زابینه اشمیتکه و آقای رضا پورجوادی، مشترکاً به تألیف یک تک‌نگاری درباره قطب‌الدین مشغول‌اند. مسلماً تألیف چنین پژوهش جامع‌الاطرافی سالها به طول می‌انجامد، از این رو مؤلفان این اثر به تناوب بخشهای مختلفی از پژوهش خود را به صورت مقاله منتشر می‌کنند. از این میان تاکنون سه مقاله منتشر شده است:

1. "Qutb al-Din al-Shirazi's (634/1236-710/1311) Durrat al-taj and its Sources (Studies on Qutb al-Din al-Shirazi I)", by: Reza Pourjavady and Sabine Schmidtke, *Journal Asiatique*, Tome 292, Numéros 1-2 (2004): 311-330.

نخستین مقاله از این سه‌گانه درباره منابع کتاب درةالتاج لغزة الدباج قطب‌الدین است. مؤلفان در این مقاله کوشیده‌اند تا با مراجعه به متون و تحقیقات متقدم و متأخر - به ویژه مقدمه مرحوم مشکات بر چاپ درةالتاج - شماری از منابع قطب‌الدین را در تألیف و یا جمع‌آوری آن کتاب به دست دهند. بر اساس این پژوهش روشن می‌شود که قطب‌الدین شیرازی بیش از دوسوم درةالتاج را عیناً از منابع دیگر گرفته است و اگر آن منبع به زبان عربی بوده، آن را به فارسی ترجمه کرده و در بخش مربوطه در درةالتاج درج کرده است. از این میان می‌توان به این موارد اشاره کرد:

۱. بخش عمده‌ای از «فاتحه»ی کتاب ترجمه‌ای است

از اسرارالتنزیل فخرالدین رازی و بخشهای دیگر آن ترجمه‌هایی است از احیاء علوم‌الدین غزالی و نقاسیم‌الحکمة ابن سینا، با نقلهایی از القسطاس فی العروض زمخشری.

۲. بخش اول از «جمله»ی چهارم (هندسه)، ترجمه‌ای است به فارسی از تحریر اقلیدس تألیف دانشمند معاصر قطب‌الدین یعنی محیی‌المله و الدین یعقوب بن محمد المغربي الاندلسی القرطبی (د: میان ۶۸۰ تا ۶۹۰ق).

۳. بخش دوم از «جمله»ی چهارم (مجسطی) ترجمه فارسی تلخیص المجسطی عبدالملک بن محمد شیرازی (د: ح ۵۹۶ق) است. البته خود قطب‌الدین به این یکی اشاره کرده است.

۴. بخش چهارم از «جمله»ی چهارم (موسیقی) برگرفته از رسالة‌الشرفیه فی النسب‌التألیفیه اثر دانشمند معاصر قطب‌الدین، یعنی صفی‌الدین ارموی (د: ۶۹۳ق) است با موادی دیگر که از الموسیقی‌الکبیر فارابی و فصل مربوط موسیقی در الشفاء بوعلی گرفته شده است.

۵. «قطب» یکم (اصول دین) از «خاتمه» عمدتاً بر اساس دو کتاب الاربعین فی اصول‌الدین و اسرار التنزیل فخرالدین رازی است.

۶. «قطب» آخر (سیر و سلوک) از «خاتمه» احتمالاً از مناهج‌العباد الی‌المعاد سعیدالدین فرغانی (د: ۶۹۵ق) گرفته شده است.

۷. «قطب» حکمت عملی «خاتمه» نیز از لطائف‌الحکمة سراج‌الدین ارموی (د: ۶۸۲ق) گرفته شده و بخشی از آن ترجمه فصول‌المدنی فارابی با افزوده‌هایی برگرفته از کتاب الاربعین فخرالدین رازی است.^۱

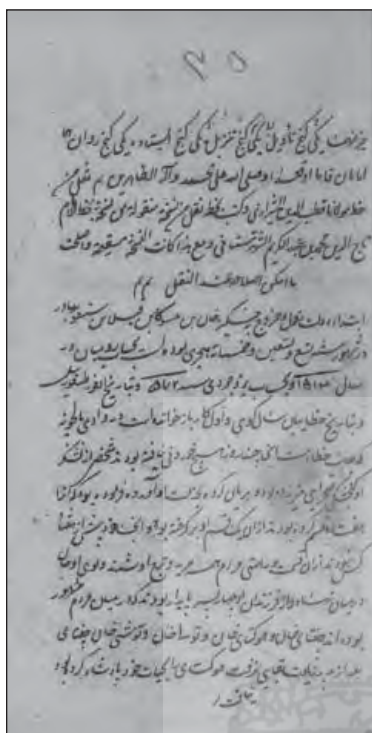
مشکات درباره بقیه‌های بخشهای درةالتاج چنین می‌گوید: «منابع بخشهای منطق و فلسفه^۲ عجلتاً برای نگارنده میسر نشد و حکومت در این باب ... را به خاتمه طبع کتاب موکول می‌کنیم.»

۸. مؤلفان این مقاله با مقایسه بین درةالتاج با الکاشف (الجدید فی‌الحکمة) ابن کمونه به دست آورده‌اند که بخشهای مربوط به «فلسفه اولی»، «علم طبیعی» و «علم الهی» («جمله»های ۲، ۳ و ۴) ترجمه «باب»های ۲، ۳، ۴، ۵ و ۶ از الکاشف ابن کمونه است.

۹. جمله یکم درةالتاج (در منطق) نیز کم‌وبیش ترجمه بخش



اصلحت ما امکن اصلاحه عند النقل» شکی باقی نمی ماند که نسخه ۱۰۱۱۷ کتابخانه مجلس از روی نسخه ۱۲۸۶۸ کتابخانه آیت الله مرعشی کتابت شده است.



انجامه کتاب در ص ۳۵ نسخه ۱۰۱۱۷ کتابخانه مجلس شورای اسلامی

3. “Qutb al-Din al-Shirazi (d. 710/ 1311) as a Teacher: An Analysis of his Ijazat, (Studies on Qutb al-Din al-Shirazi III), by: R. Pourjavady and S. Schmidtke, *Journal Asiatique*, Tome 297, Numéro 1, (2009): 15-55.

آخرین مقاله این سه گانه درباره «اجازات» قطب الدین شیرازی است. اجازه‌هایی که او به معاصران و شاگردان خود داده است منبعی است عالی برای شناخت ارتباطات علمی او با دیگران و به دست آوردن فهرستی از کسانی که نزد او به تحصیل پرداخته‌اند. در این مقاله شش اجازه از قطب الدین به تاریخهای ماه رمضان ۶۹۶ق تا ربیع الآخر ۷۰۸ق بررسی شده و به چاپ رسیده است. این اجازات نامهای ۷ تن از کسانی که نزد او به تحصیل پرداخته‌اند روشن می‌کند.

این اجازات، به ترتیب تاریخ صدور، عبارت‌اند از:

۱. برای تاج‌الملة و الدین محمودبن شریف کرمانی، به تاریخ ماه رمضان ۶۹۶ق.

منطق الکاشف به همراه اقتباس از منابع دیگر است. در پیوست جدولی این مقاله موارد گرفته شده از الکاشف این کمونه در درةالتاج نشان داده شده است.

2. “The Qutb al-Din al-Shirazi (d. 710/1311) Codex (MS Mar’ashi 12868). (Studies on Qutb al-Din al-Shirazi II)”, by: R. Pourjavady and S. Schmidtke, *Studia Iranica*, Tome 36, Fascicule 2 (2007): 279- 307.

مقاله دوم از این سه گانه به بررسی مفصل دست‌نویس شماره ۱۲۸۶۸ در کتابخانه مرحوم آیت‌الله مرعشی نجفی پرداخته است. این دست‌نویس که مجموعه‌ای است از نوشته‌های گوناگون، در تاریخ ۶۸۵ق در قونیه به دست قطب‌الدین شیرازی کتابت شده و شامل متون کهنی همچون مجلس مکتوب خوارزم از شهرستانی (د: ۵۴۸ق)، تاریخ مغول از قطب‌الدین، رساله فی العلم و العمل، تنقیح‌الابحاث، هر دو از ابن کمونه، افهام‌الیهود و الأسئلة و الأجوبه هر دو از سمونل مغربی (د: ۵۷۰ق) است.

مؤلفان در بخش نخست مقاله به گزارش دست‌نویسهای به خط قطب‌الدین موجود در کتابخانه‌های مختلف دنیا پرداخته‌اند. بخش دوم مقاله نیز به معرفی مفصل متن شناسانه و نسخه‌شناسانه این مجموعه اختصاص دارد. همان‌طور که دکتر محمود مرعشی در فهرست نسخه‌های خطی کتابخانه مرحوم آیت‌الله نجفی^۳ و مؤلفان مقاله نیز یادآوری کرده‌اند، مجموعه دیگری در کتابخانه مجلس شورای اسلامی نگهداری می‌شود که از روی این نسخه کتابت شده است.^۴ این مجموعه دوم فقط شامل رساله در عقلیات، مجلس مکتوب خوارزم، تنقیح‌الابحاث و افهام‌الیهود است.

اما به تازگی مجموعه دیگری در همین کتابخانه مجلس شورای اسلامی فهرست شده است که آن نیز از روی مجموعه به خط قطب‌الدین موجود در کتابخانه مرحوم آیت‌الله مرعشی کتابت شده است.^۵ در این مجموعه دقیقاً همان رساله‌های موجود در نسخه کتابخانه آیت‌الله مرعشی آمده است. بر اساس عبارتی که در ص ۳۵ این مجموعه آمده («نقل من خط مولانا قطب‌الدین الشیرازی و کتب بخطه نقل من نسخه منقولة من نسخه بخط الامام تاج‌الدین محمدبن عبدالکریم الشهرستانی و مع هذا کانت النسخة سقیمه و

۲. برای برهان الملة و الدين عبیدالله بن شمس الملة و الدين محمد بن بخاری، به تاریخ آغاز ربیع الاول ۷۰۰ ق.
۳. برای جلال الدين خليل بن یوعلی بن اسماعیل رومی، به تاریخ رجب ۷۰۱ ق.
۴. برای نجم المله و الدين محمد بن محمد بن ابی بکر تبریزی، به تاریخ ذوالحجۀ ۷۰۱ ق.
۵. برای نجم الدين عبدالرحیم بن عبدالرحمان بن نصر بن الشحام الموصلي التبریزی در تبریز، به تاریخ ربیع الآخر ۷۰۸ ق. این اجازه، بلندترین اجازه قطب‌الدین است و نسخه به خط خود مجیز در انتهای دست‌نویس شماره ۳۸۸۳ کتابخانه چستربیتی ایرلند آمده است. علاوه بر متن تصحیح شده اجازه، عکس آن در انتهای مقاله نسخه‌برگردان شده است.



- صفحه نخست از اجازه قطب‌الدین به خط خود او، مندرج در انتهای نسخه ۳۸۸۳ در کتابخانه چستربیتی ایرلند، برگ ۳۶۸ پ.
- قطب‌الدین همچنین در این اجازه، چگونگی به دست آوردن «خرقه تبرک» در ده سالگی و «خرقه ارادت» در سی سالگی را نیز شرح می‌دهد.
- ۶ و ۷. اجازه‌ای برای دو مجاز به نامهای نجم الملة و الدين ابوالفتح ابوبکر بن عبدالوهاب الدهستانی و ظهیرالدین علی بن الامیر بن علی العسکری در تبریز، به تاریخ پایان ربیع الآخر ۷۰۸ ق.
- در پایان مقاله ضمیمه‌ای است که در آن بخشی از فصل دوم از باب دوم قطب چهارم درة التاج که تقریباً برابر است

با آن بخش از اجازه پنجم که درباره انتساب مریدان به مشایخ است، آمده است.

۸. انتشار جلد سیزدهم از تاریخ نگارشهای عربی تألیف فؤاد سزگین

Geschichte des arabischen Schrifttums. Band XIII: Mathematische Geographie und Kartographie im Islam und ihr Fortleben im Abendland. Autoren, von Fuat Sezgin. Frankfurt (Main): Institut für Geschichte der Arabisch - Islamischen Wissenschaften, 2007.

جلد سیزدهم تاریخ نگارشهای عربی به همان موضوعات جلد های ۱۰ تا ۱۲ یعنی جغرافیای ریاضی و نقشه‌نگاری می‌پردازد. جلد های ۱۰ و ۱۱ بحثهای نظری این موضوعات و جلد ۱۲ چاپ نسخه‌برگردان نقشه‌ها بود. جلد ۱۳ به مؤلفان مربوط به این موضوعات و آثار آنان پرداخته است.

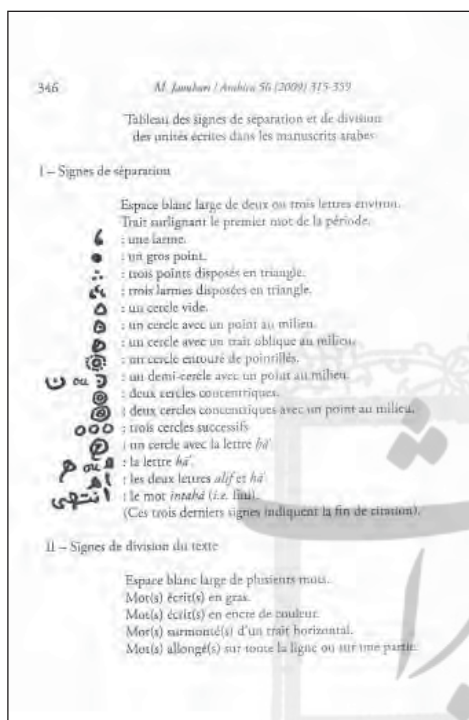
این جلد با مقدمه‌ای درباره موضوعات کلی این علوم همچون نقشه جهان مأمونی، نقشه ادریسی، کشف قاره آمریکا پیش از کریستف کلمب توسط دریانوردان مسلمان و ... می‌پردازد. در بخش منابع یونانی از بطلمیوس یاد شده است. سپس در بخش اصلی کتاب شرح احوال و آثار مسلمانانی که در این موضوعات به فعالیت پرداخته‌اند آمده است. این بخش با افرادی همچون فزاری، یعقوب بن طاروق، خوارزمی، ابن ماشاءالله، فرغانی، کندی، محمد بن موسی المنجم، سرخسی، حبش و ... شروع شده و با کسانی همچون کوشیار بن لبان، بیرونی، خازنی، زرقالی، ابهری، نصیرالدین طوسی، قطب‌الدین شیرازی، حمدالله مستوفی، غیاث‌الدین جمشید کاشی، حافظ ابرو ادامه پیدا کرده و با مصطفی بن علی الموقت، ابوالفضل علامی، صادق اصفهانی و ابوبکر بن بهرام دمشقی به پایان می‌رسد. فصل چهارم این جلد نیز در باب دریانوردان عرب و ترک همچون ابن ماجد، سلیمان مهری، سیدی علی و پیری رئیس بحث کرده است. فهرست منابع و نمایه‌های نام افراد، کتاب‌ها، نام مکانها و موضوعات نیز پایان بخش این جلد است.

از ویژگیهای این جلد نسبت به جلد های قبلی تاریخ نگارشهای عربی پرداختن به مؤلفان پس از ۴۳۰ ق است.



ذکر شواهد متعدد از دست‌نویسها (و همه‌جا فقط بر اساس منابع اهل سنت) و در نهایت بررسی این مسئله نزد نحویان عرب، از بخشهای دیگر این مقاله است.

بررسی مسئله نقطه‌گذاری و فواصل نزد «کتاب» عرب (و در دیوان الخراج، دیوان الرسائل و دیوان الانشاء) از زمان عبدالملک بن مروان (حک: ۶۵-۸۶ق) به بعد و همچنین نزد کاتبان نسخه‌های خطی، بخش پایانی مقاله است. در ذیل مقاله سیزده تصویر از دست‌نویسهای عربی — که در آنها علائم مختلف نقطه‌گذاری به کار رفته — با شرح مفصلی برای هر یک گراور شده است.



صفحه‌ای از مقاله که در آن علائم مختلفی که در دست‌نویسها به کار رفته آمده است

۱۰. جشن‌نامه‌ای برای ایتان کُلبِریگ

Le Shī'isme Imāmīte: quarante ans après. Hommage à Etan Kohlberg. Sous la direction de Mohammad Ali Amir-Moezzi, Meir M. Bar-Asher, Simon Hopkins, Belgium: Brepols, 2009, 438pp.

این کتاب جشن‌نامه‌ای است برای ایتان کُلبِریگ، امامیه‌پژوه معروف غربی. عنوان این اثر (تشیع امامی، چهل سال بعد) در وهله نخست شاید کمی عجیب به نظر برسد،

سزگین در مقدمه این جلد یادآور شده است که دو جلد بعدی تاریخ نگارشهای عربی (جلدهای ۱۴ و ۱۵) اختصاص به موضوعاتی همچون جغرافیای انسانی، جغرافیای شهری، سفرنامه‌ها و فرهنگهای جغرافیایی خواهد داشت. این دو جلد تاکنون (دی‌ماه ۱۳۸۸ش) منتشر نشده است.



تصویر ۳

۹. پژوهشی درباره علائم نقطه‌گذاری در دست‌نویسهای عربی

Mustapha Jaouhari: "Notes et documents sur la Ponctuation dans les manuscrits arabes", *Arabica* 56 (2009): 315-359.

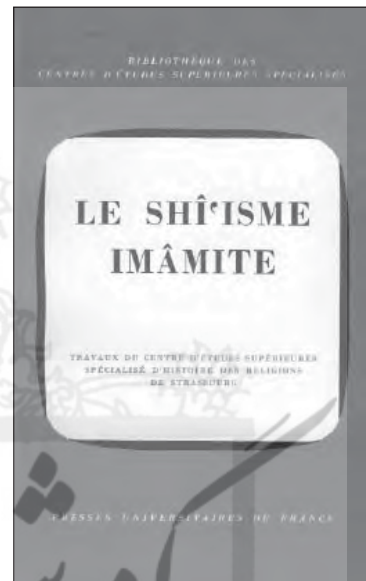
این مقاله پژوهشی است اولیه درباره علائم نقطه‌گذاری، به ویژه علائم «فواصل» در نسخه‌ها خطی عربی، مؤلف نخست به گزارش منابع کهن که در این باره در دست است پرداخته و از کتابهایی درباره این موضوع در قرآن و حدیث نام می‌برد. او سپس به پژوهشهای غربیان از جمله آدولف گرومان^۶ و نبیه عبود^۷ و تحلیل آثار آن دو می‌پردازد. در بخش بعدی مقاله معنای واژه «punctuation» و انواع آن را بر اساس فرهنگهای فرانسوی در مقایسه با سنت شرقی و از آن میان به معنای «separation» در فرهنگ غربی و «فواصل» در فرهنگ شرقی، بیان می‌کند. بررسی «فواصل» در آیات قرآن و تاریخچه آن در رسم مصاحف و سپس در کتابت حدیث با

اما با توضیحی که در مقدمه کوشندگان این مجموعه آمده است، این تعجب بر طرف می‌شود: «در بهار ۱۹۶۸م، هنگامی که فرانسه و شمار معتنابهی از کشورهای دیگر جهان با اعتراضهای شدید اجتماعی — سیاسی مهمی درگیر بودند، شماری از شرق‌شناسان معروف در دانشگاه قدیمی استراسبورگ گرد آمده بودند تا همایشی را درباره پژوهشهای شیعه‌شناسی در غرب برگزار کنند.^۸ این در واقع نخستین باری بود که گروهی از پژوهشگران سراسر دنیا در همایشی در باب شیعه امامیه شرکت می‌کردند.

آکادمیک در غرب است. مؤلفان این اثر سهمی بزرگ در گسترش این رشته داشته‌اند. این مشارکت نه فقط به سبب انتشار پژوهشهای خود بوده، بلکه نیز از آن رو که ایشان شمار زیادی دانشجو در این زمینه تربیت کرده‌اند، بوده است. در واقع کسانی که امروز با دادن مقاله در انتشار جشن‌نامه کلببرگ (با عنوان تشیع امامیه: چهل سال بعد) شرکت کردند و با این کار چهلمین سال همایش استراسبورگ را جشن گرفتند خود را — مستقیم یا غیر مستقیم — وامدار کسانی می‌دانند که چهل سال



روی جلد جشن‌نامه کلببرگ منتشر شده در ۲۰۰۹م



صفحه عنوان مجموعه مقالات همایش استراسبورگ ۱۹۶۸م منتشر شده در ۱۹۷۰م

پیش آن اثر را به چاپ رساندند.^{۳۳} جشن‌نامه کلببرگ با مقاله‌ای از فرانک استوارت^{۳۴} در شرح احوال کلببرگ شروع می‌شود. ایتان کلببرگ در ۱۲ سپتامبر ۱۹۴۳م از پدری اوکراینی و مادری لهستانی در تل آویو به دنیا آمد. از پنج سالگی آموختن موسیقی و از هفت سالگی نواختن پیانو را آغاز کرد. در دو سالی که با والدینش در نیویورک می‌زیست (۱۹۵۶-۱۹۵۷ و ۱۹۵۸-۱۹۵۹م) و همچنین در نیمه دوم دهه ۶۰ میلادی به آموختن پیانو ادامه داد. او بعدها استعداد عجیب خود را در موسیقی نشان داد و اساتید موسیقی او بر این عقیده بودند که او تمام عمر خود را صرف پیانو خواهد کرد. او بیش از یک دهه از عمر خود را به پیانو پرداخت و همیشه به این فکر بود تا پیانیست حرفه‌ای شود. والدینش نیز

در این همایش که روبر برونشوئیک و توفیق فهد آن را برپا کرده بودند، این اسلام‌شناسان — علاوه بر برونشوئیک^۹ و فهد^{۱۰} — به ارائه‌ی مقاله پرداختند: آرمان آبل^{۱۱}، ژان اوبن^{۱۲}، کلودکائن^{۱۳}، انریکو چرولی^{۱۴}، آنری کربن^{۱۵}، فرانچسکو گابریلی^{۱۶}، ریشارد گراملیش^{۱۷}، آن لمتون^{۱۸}، ژرار لوکنت^{۱۹}، ایون لینان د بلفون^{۲۰}، ویلفرد مادلونگ^{۲۱}، آنری ماسه^{۲۲}، سید حسین نصر^{۲۳}، شارل پلا^{۲۴}، امام موسی صدر^{۲۵}، و ژرژ واژدا^{۲۶}. شمار دیگری از شرکت‌کنندگان نیز در بحثها شرکت کردند؛ به طور مثال از اینها می‌توان نام برد. روزه آرنالدز^{۲۷}، ژوزف الیاش^{۲۸}، فریتس مایر^{۲۹} و هانس رومر^{۳۰}. مجموعه این سخنرانیها و گفتگو در کتابی یک جلدی در ۱۹۷۰م به چاپ رسید^{۳۱}. انتشار این کتاب در ۱۹۷۰م نشانگر آغاز پژوهشهای شیعی همچون رشته‌ای



از این فکر او حمایت می‌کردند. اما ایتان ناگهان از این تصمیم خود صرف‌نظر کرد، چرا که به این عقیده رسید که او نمی‌تواند همچون پیانیستی حرفه‌ای به زندگی ادامه دهد.

آموزش غیرموسیقی‌ای ایتان در دبستان و دبیرستانی در تل‌آویو شروع شد. در همین دبیرستان بود که او به آموختن زبان عربی پرداخت. او در این زمان چهارده‌ساله بود. اساتید او در زبان عربی به او سوره‌هایی از قرآن و متنهایی از سده‌های میانه و همچنین متونی از روزنامه‌ها و نوشته‌های طه حسین و نوشته‌هایی به عربی فلسطینی آموختند. او در دبیرستان همچنین زبان انگلیسی را فرا گرفت.



ایتان کلبِریگ

ایتان در آگوست ۱۹۶۱م به خدمت سربازی فراخوانده شد و تا ژانویه ۱۹۶۴ به سربازی اشتغال داشت. اما همزمان با ماههای آخر سربازی، او توانست در دانشگاه عبری به زبان و ادبیات انگلیسی، و مطالعات خاورمیانه‌ای مشغول باشد. او سپس مطالعات خاورمیانه‌ای را رها کرد و به زبان و ادبیات عربی پرداخت و در این رشته اساتید ممتازی یافت، از این میان مایر کیستر^{۳۴} سهم به‌سزایی در آموزش کلبِریگ داشت و او را با متون عربی کلاسیک، تفسیر، حدیث و شعر کهن عربی آشنا کرد.

کلبِریگ در ۱۹۶۶م لیسانس (B.A.) و در ۱۹۶۸ فوق‌لیسانس (M.A.) خود را به راهنمایی کیستر گرفت. موضوع رسالهٔ لیسانس او «خلیفهٔ نخست ابوبکر از دیدگاه اهل سنت و شیعه» و موضوع رسالهٔ فوق‌لیسانس او تصحیح

دو متن از ابوعبدالرحمان سلمی (د: ۴۱۲ق) بود. کلبِریگ در تابستان ۱۹۶۸م به آکسفورد رفت و در کالج سنت جان مشغول رسالهٔ دکتری خود به راهنمایی ساموئل استرن^{۳۵} شد. مرگ ناگهانی استرن در اکتبر ۱۹۶۹م ضربه‌ای برای کلبِریگ بود. او نخست تصمیم گرفت تا درس را رها کند و به موطن برگردد، اما ریچارد والزر^{۳۶} راهنمایی رسالهٔ او را پذیرفت. موضوع رسالهٔ کلبِریگ «دیدگاههای شیعه دربارهٔ صحابه» بود و او تا اواخر ۱۹۷۱م مشغول این رساله بود. کلبِریگ پس از اخذ دکتری به زادگاه خویش بازگشت و از ژانویهٔ ۱۹۷۲م به تدریس در گروه زبان و ادبیات عربی دانشگاه آغاز کرد و تا سال ۲۰۰۶م که بازنشسته شد، یکسره در خدمت این دانشگاه بود. موادی که او تدریس می‌کرد عبارت بودند از: قرآن و تفسیر جلالین، تفاسیر قرآنی، عقاید و منابع کهن شیعه، متون تصوف، متون سده‌های میانه دربارهٔ شهادت، شیوهٔ تصحیح نسخه‌های خطی. کلبِریگ راهنمایی چندین رسالهٔ دکتری را نیز به عهده داشته است و شماری از شاگردان او اکنون به تدریس در دانشگاه مشغول‌اند. یکی از اینها بار-آشر^{۳۷} است که بعداً در دانشگاه عبری همکار کلبِریگ شد. او نیز متخصص شیعه‌شناسی است. کلبِریگ در ژوئیهٔ ۱۹۷۸ ازدواج کرده است. ثمرهٔ این ازدواج دو پسر است.

تألیفات کلبِریگ دایرهٔ وسیعی از پژوهشها در موضوعات مختلف همچون زبان و ادبیات عرب، اسلام‌شناسی و به ویژه شیعه‌شناسی و امامیه‌پژوهی را دربرمی‌گیرد.^{۳۸} از میان کتابهای او، تک‌نگاری‌ای که دربارهٔ ابن‌طاووس و کتابخانه و میراث او نوشته، به فارسی ترجمه شده است.^{۳۹} شماری از مقالات مهم او دربارهٔ جنبه‌های مختلف شیعهٔ امامیه نیز به فارسی ترجمه شده و به تفاریق در نشریاتی همچون علوم حدیث (قم)، فصلنامهٔ پژوهشی دانشگاه امام صادق (ع) (تهران) و کتاب ماه دین به چاپ رسیده است. آخرین کتاب او تصحیح کتاب‌القرآات سیاری است که با تعلیقات و مقدمه با همکاری محمدعلی امیرمعزی به چاپ رسیده است.^{۴۰} فهرست کامل همهٔ نوشته‌های کلبِریگ در صفحات ۲۵ تا ۳۱ جشن‌نامه به چاپ رسیده است. شمار نوشته‌های او تا زمان چاپ جشن‌نامه به ۱۱۰ رسیده است.

در جشن‌نامهٔ کلبِریگ ۲۲ مقاله دربارهٔ جنبه‌های

سنی در دوران آل بویه و سلجوقیان، بر اساس منابع متقدم به ویژه کتاب النقض رازی. این مقاله برای بررسی تاریخ تشیع متقدم در ایران به کار می‌آید.

- Patricia Crone, «No Compulsion in religion»: Q. 2: 256 in mediaeval and modern interpretation”, pp.131-178 .

مقاله‌ای است بسیار مفصل درباره آیه ۲۵۶ سوره بقره «لا اکره فی الدین» در تفاسیر متقدم و متأخر امامی - سنی، زیدی و اسماعیلی، معتزله، سلفیه، با بررسی این تفاسیر در دوره‌های مختلف و ارتباط تفسیر این آیه با مسأله «جهاد» و مسائلی از این دست.

- Farhad Daftary, “Al-Qādī al-Nu‘mān, Ismā‘īlī law and Imāmī Shi‘ime”, pp. 179-186.

مقاله‌ای است درباره قاضی نعمان، فقه اسماعیلی، و شیعه امامیه.

- Daniel De Smet, “Adam, premier Prophete et législateur? La doctrine chiite des *Ulū al-‘azm* et la controverse sur la pérennité de la *Šar‘a*”, pp. 187-202.

درباره نظریه «اولوالعزم» از دیدگاه عمدتاً اسماعیلیه.

- Werner Ende, “*Bida* or sirr al-Imān? Modern shi‘i controversies over the third *shahāda* in the *adhān*”, pp. 203-217.

مقاله‌ای است درباره شهادت ثالثه نزد شیعیان و این که این امر بدعت است یا سرّ الایمان، همچنین دیدگاه شیخ محمد خالصی در این باره و موافقان و مخالفان او.

- Robert Gleave, “Mīrẓā Muḥammad al-Akḥbārī’s *Kitāb al-jihād*”, pp. 219-236.

مقاله‌ای است درباره جهاد از دیدگاه شیعه، کتاب الجهاد میرزا محمد اخباری و تصحیح و ترجمه آن به انگلیسی.

- Avraham Hakim, “Frères et adversaries :Abū Bakr et ‘Umar dans les traditions Sunnites et shi‘ites”, pp. 237-267.

مقاله‌ای است نسبتاً مفصل درباره مقایسه روایات اهل سنت و شیعه درباره دو خلیفه اول. این مقاله بخشی است از رساله دکتری نگارنده آن که به راهنمایی اوری روبین (Uri Rubin) در دانشگاه تل آویو و به زبان عبری نوشته شده بوده است.

مختلف میراث و فرهنگ امامیه به چاپ رسیده است. از این میان یازده مقاله به زبان فرانسوی و یازده مقاله به زبان انگلیسی است. مقالات به ترتیب الفبای لاتینی نام مؤلفان آنها مرتب شده‌اند. در اینجا مشخصات همه مقالات را با توضیحی کوتاه درباره هر یک می‌آوریم.

- Mohammad Ali Amir-Moezzi, “Note bibliographique sur le *Kitāb Sulaym b. Qays*, le plus ancien ouvrage shi‘ite existant”, pp. 33-48.

مقاله‌ای است درباره کتاب سلیم بن قیس، روایات و محتوای آن.

- Hassan Ansari, “Une version incomplète du *Kitāb al-nubuwwa d’al-Šadūq*”, pp. 49-53.

درباره کتاب النبوة صدوق و موارد بازمانده از آن در آثار او و دیگر مؤلفان امامیه.

- Saïd Amir Arjomand, “A Century of Shi‘i Constitutionalism”, p. 55-72.

مقاله‌ای است درباره مشروطه و مشروطه شیعی در یکصدسال اخیر با نگاهی به برخی اثرات آن در انقلاب اسلامی و نوشته‌های علما در ایران و عراق.

- Meir M. Bar-Asher, “Le rapport de la religion nuṣayrite-‘alawite au shi‘isme imamite”, pp. 73-93.

درباره ارتباط مذهب نصیری - علویه با شیعه امامیه، از دوران شکل‌گیری تشیع تا دوران معاصر.

- Rainer Brunner, “Le Charisme des songeurs :Husayn al-Nūrī al-Ṭabarsī et la fonction des rêves dans le shi‘isme duodécimain”, pp. 95-115 .

درباره کاربرد خواب و تعبیر آن در شیعه اثنی‌عشری و تاریخ آن و بررسی این مسأله با عنایت ویژه به کتاب دارالسلام فی ما يتعلق بالرؤیا و المنام تألیف مرحوم نوری طبرسی و تحلیل محتوایی آن.

- Leonardo Capezzone, “Madrassa sunnite *versus* dār al-‘ilm chiite? En marge du *Kitāb al-naqd* sur les politiques culturelles et les images historiographiques entre les époques bouyide et seljoukide”, pp. 117-130.

مقاله‌ای است درباره «دارالعلم»های شیعی و «مدرسه»های



analysis of MS Arab. F.64 (Bodeleian Library, Oxford)", pp. 373-396.

تحلیلی است از عقاید کلامی خاندان بنو العود — از خانواده‌های شیعی سده هشتم هجری — بر اساس دست‌نویس بادلیان F.64 همراه با توصیف همه رساله‌های موجود در این نسخه. این مقاله به فارسی ترجمه شده است و در نسخه‌پژوهی، دفتر چهارم، در دست چاپ است.

- Dewin Stewart, "Three polemic exchanges at the Safavid Court", pp. 397-415.

مقاله‌ای است درباره سه بحثی که در زمان صفوی در دوره شاه طهماسب و شاه عباس اول میان سه دانشمند شیعه جبل عاملی یعنی حسین بن عبدالصمد و دو پسر او بهاء‌الدین محمد و عبدالصمد با سفرای دولت عثمانی انجام شد و پاسخهای این سه عالم شیعی به پرسشهای آنان.

- Roy Vilozny, "Réflexions sur le *Kitāb al-'ilal* d'Ahmad b. Muḥammad al-Barqī (m.274/888 ou 280/894)", pp. 417-435.

درباره کتاب‌العلل احمد بن محمد البرقی که رساله ششم کتاب‌المحاسن را تشکیل می‌دهد و ۱۳۰ روایت نقل شده در آن، دسته‌بندی و تحلیل موضوعی آنها.

پی‌نوشتها

۱. این شش مورد بر اساس اطلاعات نقل شده از مشکلات در مقدمه درة‌التاج (ص ۶۹ به بعد) است.

۲. برای بخش فلسفه مشکلات می‌گوید: «مسلماً قسمتی از آن از مصنفات... سهروردی و شاید بخشی هم از شجرة‌الالهیه سهروردی اقتباس شده.»

۳. ج ۲۸، ص ۶۳۷.

۴. فهرست کتابخانه مجلس شورای ملی، ج ۲، ۱۳۱۱ ش، ص ۳۵۰-۳۵۱.

۵. فهرست نسخه‌های خطی کتابخانه مجلس شورای اسلامی، ج ۳۲، نسخه‌های شماره ۱۰۰۰۱ - ۱۰۴۰۰، تألیف محمود نظری، تهران، ۱۳۸۸ ش، ص ۱۴۳-۱۴۷، نسخه شماره ۱۰۱۱۷.

6. Adolf Grohmann. (1887-1977)

7. Nabia Abbot.

۸. گزارشی نسبتاً مفصل از این همایش به قلم سیدحسین نصر به چاپ رسیده است: «گزارشی از اولین مجمع علمی درباره تشیع در مغرب‌زمین»، در: مجله معارف اسلامی، ش ۶، تیر ۱۳۴۷ ش، ص ۲۵-۳۰؛ تجدید چاپ در: خرد جلودان، مجموعه مقالات

- Christian Jambet, "«L'essence de Dieu est toute chose», identité et différence selon Šadr al-Dīn Shīrāzī (Mullā Šadra)", pp. 269-292.

مقاله‌ای درباره این عبارت ملاصدرا: «ذاته تعالی کلّ الأشیاء».

- Meir Litvak, "((More harmful than the Jews)): anti - shi'i polemics in modern radical Sunni discourse", pp. 293-314.

درباره دیدگاه‌های ضد شیعی اهل سنت به ویژه وهابیان متأخر، تقریب بین شیعه و اهل سنت.

- Pierre Lory, "Souffrir pour la vérité selon l'ésotérisme chiite de Rajab Borsī", pp. 315-323.

مقاله‌ای است درباره رنج و تحمل آن برای اثبات حقیقت از دیدگاه شیعه به ویژه در آثار حافظ رجب برسی.

- Wilferd Madelung, "Sayf b. 'Umar: *akhbārī* and ideological fiction writer", pp. 325-337.

مقاله‌ای درباره ابوعبدالله سیف بن عمر، مورخ کوفی دوره هارون الرشید و اخبار او و منقولات از او در منابعی همچون وقعة‌صفین نصر بن مزاحم و تاریخ طبری.

- Yitzhak Nakash, "Shi'is, nationalism and the state in twentieth-century Iraq", pp. 339-348.

درباره روابط بین شیعیان و سنیان عمدتاً حاکم در عراق قرن بیستم و نقش بیگانگان، به ویژه انگلیسیها در حاکمیت عراق.

- Andrew J. Newman, "Bāqir al-Majlisī and islamicate medicine II: *al-risāla al-dhahabiyya* in *Bihār al-anwār*", pp. 349-361.

مقاله‌ای است درباره احادیث پزشکی و به ویژه الرسالة الذهبیه منسوب به امام رضا (ع) در بحار الانوار مجلسی. این مقاله بخش دوم مقاله‌ای است در همین موضوع که پیش از این از نیومن به چاپ رسیده است. هر دوی این مقالات به فارسی ترجمه شده و در مجموعه مقالاتی درباره علامه مجلسی از دید خاورشناسان به چاپ خواهد رسید.

- Yann Richard, "Un théologien chiite de notre temps, Mojtahed Šabestari", pp. 363-371.

درباره اندیشه‌های کلامی محمد مجتهد شبستری.

- Sabine Schmidtke, "The doctrinal views of the Banū al-'Awd (early 8th/ 14th century): an

- [جنبه‌هایی از نوشته‌های حدیثی امامیه]
20. Yvon Linant de Bellefonds, "Le droit imâmite".
[فقه امامیه]
21. Wilferd Madelung, "Imâmism and Mu'tazilite theology".
این مقاله به فارسی ترجمه و با این مشخصات نشر شده است:
«تشیع امامیه و علم کلام معتزلی»، ترجمه احمد آرام، در: شیعه در حدیث دیگران، زیر نظر مهدی محقق، تهران، ۱۳۶۲ش، ص ۳۱-۹.
22. Henri Massé, "Poèmes funébres consacrés aux Imâms".
[درباره شعر (نوحه‌های) مربوط به امامان شیعه]
23. Seyyed Houssein Naşr, "Le Shî'isme et le soufisme. Leurs relations principales et historiques".
[درباره روابط تاریخی تشیع و تصوف]
24. Charles Pellat, "Mas'ûdî et l'Imâmisme".
[مسعودی و تشیع امامی]
۲۵. سخنرانی امام موسی صدر در مجموعه مقالات این همایش چاپ نشده است. بر اساس گزارش سیدحسین نصر، ایشان «درباره وضع شیعیان سوریه و لبنان ... مبتنی بر آمار دقیق درباره امور دینی و فرهنگی و اجتماعی آنان» سخنرانی کردند.
26. Georges Vajda, "Le problème de la vision de Dieu (ru'ya) d'après quelques auteurs Šî'ites duodécimains".
[مسأله رؤیت خداوند بر اساس چند نویسنده شیعه دوازده‌امامی]
27. Roger Arnaldez.
28. Joseph Eliash.
29. Fritz Meier.
30. Hans Römer.
31. *Le shî'isme imâmite: Colloque de Strasbourg (6-9 mai 1968)*, Paris :Presses Universitaires de France, 1970, 312 p.
۳۲. ترجمه آزاد بخشهایی از مقدمه کوشندگان جشن‌نامه کلب‌رگ.
33. Frank H. Stewart.
34. Meier Kister.
35. Samuel Stern.
36. Richard Walzer.
37. Meir Bar-Asher.
۳۸. این شرح احوال برگرفته از شرح حالی است از استوارت در اول جشن‌نامه کلب‌رگ (ص ۱۱-۲۳).
۳۹. ایقان کلب‌رگ، کتابخانه ابن‌طلووس و احوال و آثار او، ترجمه سیدعلی قرائی و رسول جعفریان، قم، کتابخانه آیت‌الله مرعشی نجفی، ۱۳۷۱ش.
۴۰. برای معرفی این کتاب، نک: گزارش میراث، ش ۶۳، آذر و دی ۱۳۸۸ش «برلینیات - ۱»، ص ۶۹ - ۷۱.
- دکتر سیدحسین نصر، به اهتمام سیدحسن حسینی، جلد اول، سروش، تهران، ۱۳۸۲ش، ص ۲۹-۳۷.
9. Robert Brunschvig, "Les *uṣūl al-fiqh* imâmites à leur stade ancien (X^e et XI^e siècles)".
این مقاله با عنوان «اصول فقه امامیه، دوران رشد کهن آن (قرون دهم و یازدهم میلادی)» توسط ابوالقاسم پورحسینی به فارسی ترجمه شد و در مقدمه این کتاب به چاپ رسید: معالم‌الدین و ملاذ‌المجتهدین، قسمت اصول فقه معروف به معالم‌الاصول، از شیخ حسن‌بن زین‌الدین شهید ثانی، به اهتمام مهدی محقق، تهران، مؤسسه مطالعات اسلامی دانشگاه مکیل شعبه تهران، ۱۳۶۲ش، ص سی‌وسه تا پنجاه‌ویک. تجدید چاپ (و تجدید حروف‌چینی): تهران، انجمن آثار و مفاخر فرهنگی، ۱۳۸۵ش.
10. Toufic Fahd, "Ġā'far as-Şādiq et la tradition scientifique arabe".
[امام جعفر صادق (ع) و سنت علمی عربی].
این مقاله ۲۴ صفحه‌ای ظاهراً همان نوشته‌ای است که توسط ذبیح‌الله منصوری بسط (!) داده شد و به صورت کتابی با عنوان مغز متفکر جهان شیعه (جاویدان، چ ۲، ۱۳۵۴ش) در ۶۲۱ صفحه (!) به چاپ رسید. نک: کریم امامی، از پست و بلند ترجمه، هفت‌مقاله، تهران، نیلوفر، چ ۲، ۱۳۷۵ش، ص ۸۹.
11. Armand Abel, "Le chapitre sur l'Imâmât dans le Tamhîd d'al-Baqillânî".
[فصل مربوط به امامت در تمهید باقلانی]
12. Jean Aubin, "La politique religieuse des Safavides".
[سیاست مذهبی صفویه]
13. Claude Cahen, "Le problème de shî'isme dans l'Asie Mineure turque préottomane".
[مسأله تشیع در آسیای صغیر ترک، پیش از دوره عثمانی]
14. Enrico Cerulli, "Le Théâtre persan".
[تئاتر ایرانی]
15. Henry Corbin, "Imâmologie et philosophie".
[امام‌شناسی و فلسفه]
16. Francesco Gabrieli, "Imâmisme et Littérature sous les Bûyides".
[امامیه و ادبیات در دوران آل‌بویه]
17. Richard Gramlich, "Pol und Scheich im heutigen Derwischtum der Schia".
[قطب و شیخ نزد درویش معاصر شیعه]
18. Ann K.S. Lambton, "The Persian 'Ulamâ and Constitutional reform".
[علمای ایران و مشروطه]
19. Gérard Lecomte, "Aspects de la littérature du *ḥadîth* chez les imâmites".

